

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۲۷ سپتمبر ۲۰۱۱

گوهر سیاست غرب را بر محک عقل باید سائید!

پولیس افغانستان در حال حاضر از لحاظ پرسونل بدون تردید بیشتر از نیرو های عسکری و پولیس دوران زمامداری ظاهر - داوود است. از نگاه لباس و تجهیزات و اسلحه نیز پولیس دوره های پیشین را به هیچ صورت نمی توان با پولیس امروز کشور مقایسه کرد، اما باوجود این، طوری که دیده می شود، هنوز هم پولیس - و ارتش - ما به تنهائی قادر به تأمین امنیت در کشور نیست. علت این ناتوانی و نارسائی در چیست؟

ترور ربانی چند متر دورتر از مقر ریاست جمهوری و وزارت دفاع به تعقیب حوادث روز سه شنبه ۱۳ سپتمبر در شهر کابل، که آنهم در زیر ریش آقای کرزی اتفاق افتاد، حمله راکتی به مرکز نیرو های ایساف و سفارت امریکا و ادامه ده ها حمله و انفجار در این شهر طی ماه های گذشته نشاندهنده این امر و این مدعاست که پولیس کشور باوجود میلیارد ها دالر خرج و مصرف برای آموزش و پرورش و تجهیز و تسلیح آن نه از مورال بالا برخوردار است، نه به تخنیک و تاکتیک های لازم مبارزه با گروه های مسلح دهشت افکن و جنایت پیشگان قانون شکن آشنائی دارد و نه به عنوان حافظ امنیت و قانون مورد اطمینان مردم قرار دارد.

هدف این مختصر، بیان این واقعیت نیست که نیروهای پولیس در کشور قادر به حفظ امنیت نیستند. این واقعیت را فرد فرد هموطنان ما با همه حواس و گوشت و پوست خویش نه یک بار، که هزار بار تجربه نموده اند و در آینده نیز بدون تردید تجربه خواهند کرد، بلکه هدف تعلیل علل این ناکامی و تعلیل علل ضعف پولیس است.

حمله یک گروه مسلح شش نفری چندی قبل به مرکز فرهنگی بریتانیا که طی آن سیزده نفر کشته شد و بیشتر از نوزده نفر زخمی گردید از ساعت پنج و نیم صبح شروع و تا ساعت دوازده ظهر ادامه داشت؛ شش و نیم ساعت، آنهم در پایتخت کشور جایی که قومندانی امنیه شهر کابل، وزارت داخله، ریاست امنیت ملی، وزارت دفاع، مقر ریاست جمهوری، تمام وزارتخانه ها، سفارت ها و ده ها دفتر و اداره مهم لشکری و کشوری، و سیاسی و تجاری افغانی و غیرافغانی قرار دارد!

جنگ، چنانچه گفته شد، شش و نیم ساعت، از زمانی که پولیس به محل حادثه رسید تا ختم آن، ادامه داشت. طی این شش و نیم ساعت نیروی پولیس شهر نتوانست مهاجمان را سرکوب یا دستگیر کند و آرامش را برگرداند تا این که

نیروهای امریکائی و انگلیسی مستقر در شهر و نواحی کابل به محل حادثه و به کمک نیروهای پولیس افغانی آمدند و غایله را یکطرفه کردند.

نمی دانم تعداد دقیق پولیس افغانستان چقدر است، اما از روی برخی از نوشته ها، به طورمثال از روی نوشته ۲۱ اپریل ۲۰۱۱ وب سایت " منظره افغانستان " که تعداد پولیس افغان را به یک لک و هژده هزار تن تخمین می کند، می توان گفت که در شهری که کمابیش پنج میلیون، تقریباً یک پنجم کل جمعیت کشور، باشند دارد، آنهم در وضعیتی مانند وضعیت ناآرام موجود، باید در حدود بیست و چهار هزار پولیس، حداقل، موجود باشد (این رقم را به نسبت نفوس شهر تخمین نموده ام؛ و الا نظر به اهمیت شهر باید تعداد نیروهای پولیس در شهر کابل بیشتر از این باشد).

در مقابل، تعداد مهاجمان قرار نوشته ها نه نفر بوده اند. تنها یک تأمل مختصر به نسبت پولیس شهر با تعداد مهاجمان ما را به خوبی متوجه این امر می سازد که پولیس افغانی درحال حاضر چقدر ضعیف و ناتوان و فاقد اهلیت و کفایت و توانائی برای حفظ و تأمین امنیت شهر و مردم می باشد.

عین قضیه در زمان حادثه هتل انترکانتننتال و حادثه آتش زدن به تانکر ها در شهر کابل، حمله به خانه مشاور کرزی و حمله های دیگر در این شهر و شهر های دیگر کشور اتفاق افتاد. در هر یک از این حوادث و ده ها حائنه دیگر تا نیروهای خارجی به کمک پولیس ملی نیامدند، جنگ و زد و خورد به پایان نرسید.

در حمله ای که به خانه مشاور کرزی، جان محمد خان، شد، مهاجمان تنها دو نفر بودند. نیروی پولیس شهر کابل با همه تجهیزات و سلاح های پیشرفته و سبک و ثقیل و کمیت بی شمار خود قادر نشد تنها همین دو نفر را دستگیر یا سرکوب کند.

قرار اطلاع چندین منبع، زد و خورد میان حمله کنندگان به خانه جان محمد خان و پولیس هم چندین ساعت متوالی و تا آمدن نیروهای خارجی ادامه داشت.

در جنگی که میان پولیس و مهاجمان به هتل انترکانتننتال رخ داد نیز قوای خارجی اول با هلیکوپتر و بعد با فرستادن تعداد نیروهای زمینی خویش به کمک پولیس افغانی آمد و تنها با آمدن آن ها بود که اشغال هتل به پایان رسید. در بیشترین حوادث دیگر نیز وضع از همین قرار بوده است.

خود خارجی ها هم به ناتوانی و ضعف پولیس و وخیم بودن اوضاع امنیتی افغانستان اذعان می کنند.

قرار نوشته بی بی سی " سرشیر ارد کوپر کولز" یکی از مقام های پرنفوذ وزارت خارجه انگلستان در مورد وضعیت امنیتی افغانستان گفته است:

"وضعیت فعلی (در افغانستان) خراب است، وضعیت امنیتی درحال بدتر شدن است. وضع فساد هم به همین منوال است و دولت اطمینان [مردم] را کاملاً از دست داده است".

به نظر سفیر انگلیس در افغانستان، که در این خصوص در سایت بی بی سی به نشر رسیده است نیز توجه کنید:

" نیروهای خارجی (در افغانستان) در حال تلاش برای نجات رژیم هستند که بدون کمک آنها، سقوط می کند... آنها به کندی عمل می کنند و روند احتمالی خروج از بحران را پیچیده تر می کنند، که این کار ممکن است درآورد باشد".

آیا معنای این حرف های خارجی ها و تجربه های ناکام که مردم از پولیس در حفظ امنیت دارند حاکی از به بن بست رسیدن خارجی ها در تربیت پولیس برای رسیدن به اهداف امنیتی در کشور است، یا امریکائی ها سیاست

های دیگری را در رابطه جنگ در افغانستان، و در رابطه با طالب و جنگسالاران دوران به اصطلاح جهاد، و پاکستان و القاعده دنبال می کنند که از نظر برخی از ما ها پنهان است؟

مردم افغانستان ذاتاً مردم بی شهامت و بی کفایت نیستند! پس چرا پولیس و ارتش این کشور با وجود همه مصارف گزاف و توانائی ها قادر به تأمین امنیت در کشور نمی شوند؟ چرا طالب طی این همه سال سرکوب نشده است؛ و چرا پاکستان با وجود همه تهدید های امریکا دست از حمایت طالب و القاعده بر نمی دارد؟ یا چرا امریکا با وجودی که می داند که هم طالب و هم القاعده در پاکستان اسکان یافته اند و هر دو سازمان مورد حمایت بی دریغ استخبارات نظامی پاکستان قرار دارند، با دولت پاکستان با جدیت کامل برنمیخورد و از سختی لازم به منظور سرکوب و محو کامل طالب و القاعده کار نمی گیرد؟

مشرف در یکی از مصاحبه های خویش در مورد این که چگونه پاکستان در ابتدای هجوم امریکا به افغانستان حاضر به همکاری با امریکا در امر مبارزه علیه طالب و القاعده شد گفت که امریکائی ها ما را تهدید کردند که اگر با آنها همکاری نکنیم پاکستان را به عصر حجر خواهند فرستاد (نقل به معنی). سؤال اینجاست که اگر امریکا می تواند با یک تهدید نه چندان جدی پاکستان را حاضر به همکاری با خود کند و پاکستان اینقدر از امریکا ترس دارد، چرا برای ختم جنگ در افغانستان، اگر امریکائیان واقعاً خواهان آن هستند، یک بار دیگر این تهدید را - این بار بطور قاطع و جدی - تکرار نمی کنند؟ خصوصاً وقتی می بینند که حملات طالب و گروه حقانی و القاعده هر روز در کشور ما شدت و ابعاد بیشتری پیدا می کند. آیا هدف امریکائیان به هراس انداختن و در هراس نگهداشتن مردم افغانستان از وجود و خطر این نیروهای وحشی و غیرمسئولی که نه در فکر زندگی و مرگ خود هستند و نه در فکر مرگ و زندگی دیگران، برای این که خود شان بتوانند در این خاک جای پائی برای همیشه پیدا کنند، نیست؟

خاصتاً امروز که بحث از امضای پیمان ستراتژیک میان امریکا و افغانستان است!!